روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR
۱۱۹۲ سال و ۸۷ روز گذشت
VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4762 | MON.NOV.16,2026 | ISSN:2008-2886
دوشنبه | ۲۵ آبان ۱۴۰۵ | ۶ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ | ۱۶ نوامبر ۲۰۲۶ | سال نوزدهم | شماره ۴۷۶۲ | ۴ صفحه | ۱۰ هزار تومان

اختلال گسترده در ناوبری هوایی و شبکه برق و آبرسانی فرسوده نشان می‌دهد
بحران زیرساختی ایالات متحده گسترده است

پایه‌های مستهلک آمریکا!

صفحه ۳

تمرکز بر کارت سوخت خودروهای شخصی در حالی دنبال می‌شود که بخش عمده قاچاق در شبکه توزیع گازوئیل و مصارف عمده ریشه دارد

آدرس غلط در سیاست سوخت

صفحه ۴

گزارش اخیر جامعه اطلاعاتی آمریکا درباره حفظ توانمندی موشکی ایران پس از جنگ تحمیلی ۴۰ روزه
ادعاهای ترامپ مبنی بر کاهش توان دفاعی تهران را زیر سؤال برد

مشت پُر ایران



صفحه ۲

اهرم تمام‌کنندگی ایران

یادداشت
رضا رحمتی

قدرت در نظام بین‌الملل صرفا با تعداد ناوهای هواپیمابر، برد موشک‌ها، حجم بودجه نظامی یا توان تخریب زیرساخت‌های طرف مقابل اندازه‌گیری نمی‌شود. اینها مؤلفه‌های مهم قدرتند اما یک پرسش اساسی‌تر نیز وجود دارد: قدرت برتر می‌تواند اراده خود را به نتیجه سیاسی مطلوب تبدیل کند؟ تمایز میان این دو، یکی از مهم‌ترین ابعاد تحولات اخیر مناسبات ایران و آمریکاست؛ تمایزی که می‌توان آن را با مفهوم «پایان هژمونی تصمیم» توضیح داد. منظور از این مفهوم، پایان قدرت نظامی آمریکا نیست، بلکه پایان انحصار آن کشور در تعیین یک‌جانبه مسیر، زمان‌بندی و سرانجام بحران است. تحولات روزهای اخیر واشنگتن نشان می‌دهد دولت ترامپ، با وجود حفظ برتری نظامی و برخورداری از ظرفیت حمله مجدد، در تعیین مسیر نهایی مواجهه با ایران با محدودیت‌های جدی روبه‌رو است.

گزارش ۱۴ نوامبر رویترز از این جهت اهمیت دارد که به نقل از منابع آگاه می‌نویسد ترامپ در گفت‌وگو با مشاوران ارشد خود احتمال خودداری از حملات جدید به ایران را مطرح کرده، مشروط به آنکه تحریک جدیدی از سوی تهران یا انصارالله یمن شکل نگیرد.

این گزارش همچنین از درخواست محمد بن‌سلمان و رجب طیب اردوغان برای خودداری از بازگشت به جنگ حکایت دارد. همزمان مقام‌های رژیم موقت صهیونی همچنان برای از سرگیری عملیات نظامی فشار وارد می‌کنند.

این وضعیت به‌خوبی نشان می‌دهد تصمیم واشنگتن دیگر صرفا محصول اراده رئیس‌جمهور تروریست آمریکا نیست، بلکه در تقاطع مجموعه‌ای از محدودیت‌های نظامی، اقتصادی، منطقه‌ای و سیاسی شکل می‌گیرد.

الف- قدرت نظامی و محدودیت تبدیل قدرت به نتیجه

یکی از خطاهای رایج در تحلیل مناسبات ایران و آمریکا، یکسان گرفتن برتری نظامی با توانایی تعیین نتیجه سیاسی است. تردیدی نیست آمریکا از ظرفیت اجرای عملیات نظامی برخوردار است اما مساله این است: چنین عملیاتی الزاما به تحقق اهداف سیاسی واشنگتن منجر خواهد شد؟

گزارش مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی آمریکا (CSIS) در ۱۰ نوامبر ۲۰۲۶ درباره ذخایر تسلیحاتی آن کشور، تصویر قابل تأملی ارائه می‌کند. بر اساس برآورد این اندیشکده، آمریکا در جریان جنگ ۴۰ روزه و تحولات نظامی پس از آن، بین یک‌سوم تا دوسوم ذخایر پیشاجنگی برخی مهمات کلیدی خود را مصرف کرده است. این گزارش البته مدعی است ذخایر باقیمانده برای از سرگیری جنگ ضد ایران کافی است. بنابراین نباید از آن نتیجه گرفت آمریکا توان نظامی لازم برای حمله مجدد را از دست داده است. نکته مهم‌تر آن است که بازسازی بسیاری از این ذخایر، پس از تأمین اعتبار کنگره، به ۲ تا ۴ سال زمان نیاز دارد و مصرف این تسلیحات بر آمادگی آمریکا برای مواجهه با رقبای بزرگ‌تر، به‌ویژه چین نیز اثر می‌گذارد.

بنابراین مساله اصلی نه ناتوانی آمریکا در جنگیدن، بلکه افزایش هزینه راهبردی استفاده از قدرت نظامی است. هر عملیات جدید باید در نسبت با سایر اولویت‌های امنیتی واشنگتن، ظرفیت تولید تسلیحات و ضرورت حفظ بازدارندگی در جبهه‌های دیگر ارزیابی شود. قدرتی که می‌تواند حمله کند، الزاما قدرتی نیست که بتواند بدون هزینه‌های فزاینده به حمله ادامه دهد.

ب- سیاست داخلی؛ محدودیت بیرونی قدرت آمریکا

دومین عامل محدودکننده، سیاست داخلی آمریکا است. شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای و واگذاری کنترل کنگره به دموکرات‌ها، صرفا یک تحول انتخاباتی نیست، بلکه نشانه‌ای از ورود هزینه‌های جنگ به محاسبات سیاسی آمریکا محسوب می‌شود. بر اساس نظرسنجی مشترک رویترز/ایپسوس که پیش از انتخابات انجام شد، ۵۵ درصد آمریکایی‌ها معتقد بودند جنگ، ارزش هزینه‌های پرداخت‌شده را نداشته است. رویترز همچنین گزارش داد افزایش قیمت جهانی سوخت و نارضایتی عمومی از جنگ، در شکست انتخاباتی جمهوری‌خواهان مؤثر بوده است.

در این شرایط، ترامپ با یک تناقض سیاسی مواجه است: از یک طرف باید تصویر رئیس‌جمهوری قدرتمند را حفظ کند که به ادعای خود توانسته ایران را شکست دهد و از طرف دیگر، باید از تداوم بحرانی جلوگیری کند که هزینه‌های اقتصادی آن به زندگی روزمره رأی‌دهندگان آمریکایی منتقل شده است. گزارش آسوشیتدپرس در ۱۴ نوامبر از تغییرات مکرر مواضع ترامپ درباره حملات مجدد/مذاکرات حکایت می‌کند. او از یک سو احتمال پایان عملیات نظامی را مطرح کرده و از سوی دیگر، ضرورت دستیابی به توافق با تهران را زیر سؤال برده است. این نوسان، بیش از آنکه نشانه وجود یک راهبرد نهایی و تثبیت‌شده باشد، بیانگر دشواری انتخاب میان گزینه‌های پرهزینه است.

پ- بحران انحصار تصمیم؛ آمریکا و محدودیت اراده یک‌جانبه

بعد مهم‌تر این تحولات، تغییر جایگاه آمریکا در معادلات منطقه است. در گذشته، واشنگتن تلاش می‌کرد با اتکا به برتری نظامی و شبکه ائتلافی خود، دستور کار امنیتی منطقه را تعیین کند و سایر بازیگران را در چارچوب آن قرار دهد اما تجربه اخیر نشان داد متحدان آمریکا نیز الزاما با اولویت‌های واشنگتن همراه نیستند. درخواست عربستان و ترکیه برای جلوگیری از بازگشت به جنگ، در کنار فشار رژیم اشغالگر برای حملات مجدد، بیانگر وجود برداشت‌های متفاوت از هزینه/فایده تقابل با ایران است.

از این منظر، گزارش واشنگتن‌پست در ۱۲ نوامبر اهمیت ویژه‌ای دارد. این گزارش می‌نویسد جی‌دی ونس در روزهای پیش از اظهارات جدید ترامپ، در حال پیگیری مسیر مذاکره با ایران بوده اما رئیس‌جمهور آمریکا عملا این تلاش را متوقف کرده و معاون خود را به تمرکز بر مسائل داخلی فراخوانده است. اختلاف نظر درون دولت آمریکا درباره ادامه فشار نظامی یا حرکت به سمت توافق، نشانه دیگری از دشواری شکل‌گیری یک تصمیم منسجم است.

در چنین وضعیتی، آمریکا همچنان می‌تواند در شکل‌دهی به بحران نقش تعیین‌کننده داشته باشد اما دیگر نمی‌تواند تضمین کند سایر بازیگران مطابق خواسته آن عمل کنند یا نتیجه نهایی دقیقا با اهداف اولیه واشنگتن منطبق شود. این همان تفاوت میان هژمونی نظامی و هژمونی تصمیم است.

ت- تهران و راهبرد افزایش هزینه تصمیم

برای ایران، اهمیت این وضعیت در آن است که قدرت ملی را نباید صرفا با معیار توان مقابله مستقیم با قدرت نظامی آمریکا سنجید. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت راهبردی، توانایی جلوگیری از تبدیل برتری نظامی طرف مقابل به نتیجه سیاسی تحمیلی است. این امر به معنای نفی ضرورت تقویت توان دفاعی، توسعه فناوری‌های نظامی و حفظ آمادگی نیروهای مسلح نیست، بلکه نشان می‌دهد این ظرفیت‌ها زمانی به قدرت سیاسی پایدار تبدیل می‌شود که در کنار تاب‌آوری اقتصادی، انسجام اجتماعی، استقلال تصمیم‌گیری و ظرفیت دیپلماتیک قرار گیرد.

در این چارچوب، تجربه ایران واجد یک نکته مهم است: هرچه طرف مقابل برای تحقق اهداف خود با عدم قطعیت بیشتر و هزینه‌های پیش‌بینی‌ناپذیرتری مواجه شود، امکان تحمیل اراده یک‌جانبه به همان نسبت محدودتر خواهد شد. البته این وضعیت نباید با پیروزی قطعی یا حذف تهدید نظامی اشتباه گرفته شود. گزارش اخیر CSIS به‌صراحت نشان می‌دهد آمریکا همچنان ظرفیت از سرگیری عملیات نظامی علیه ایران را دارد. از این رو، نتیجه‌گیری درست نه خوش‌بینی به ناتوانی دشمن، بلکه شناخت محدودیت‌های راهبردی او و استفاده هوشمندانه از این محدودیت‌هاست.

ث- از بازدارندگی نظامی تا بازدارندگی در تصمیم

مفهوم «پایان هژمونی تصمیم» می‌تواند افق تازه‌ای برای فهم بازدارندگی ایران فراهم کند. بازدارندگی صرفا زمانی محقق نمی‌شود که طرف مقابل از قدرت تخریب متقابل هراس داشته باشد، بلکه هنگامی معنا می‌یابد که تصمیم‌گیرنده نتواند از پیش، هزینه‌ها و پیامدهای اقدام خود را به طور کامل کنترل کند. در چنین شرایطی، حتی قدرت برتر نیز برای انتخاب گزینه نظامی ناگزیر از محاسبه مجدد خواهد بود.

قدرت چانه‌زنی پایدار زمانی شکل می‌گیرد که ظرفیت دفاعی با توان مدیریت بحران و ابتکار دیپلماتیک همراه شود.

در نهایت، آنچه در مناسبات کنونی ایران و آمریکا اهمیت دارد، صرفا این نیست که کدام طرف توان وارد کردن خسارات بیشتری را دارد، بلکه این است که کدام طرف می‌تواند آینده بحران را با هزینه کمتر و در چارچوب منافع خود مدیریت کند. آمریکا هنوز قدرت نظامی برتر است اما این برتری به معنای اختیار نامحدود برای تعیین سرنوشت بحران نیست. برای ایران نیز فرصت راهبردی در همین نقطه قرار دارد: تبدیل تاب‌آوری ملی، قدرت دفاعی و موقعیت ژئوپلیتیک به ظرفیتی که امکان تحمیل اراده خارجی را محدود کند. در نهایت پایان هژمونی تصمیم به معنای پایان قدرت آمریکا نیست، به معنای پایان این تصور است که قدرت آمریکا به‌تنهایی برای تعیین نتیجه هر بحران کفایت می‌کند.

تیترهای امروز



همزمان با رد پیشنهاد دولت چرخشی لیبرمن اطلاعات جدیدی را درباره اشتباهات نخست‌وزیر در وقوع عملیات ۷ اکتبر فاش کرد

رو دست حماس

صفحه ۳

«وطن امروز» گزارش می‌دهد
جنگ تحمیلی ۴۰ روزه نشان داد قدرت نظامی نقش اصلی را در مدیریت بحران ندارد

اهرم تمام‌کنندگی ایران

همین صفحه

از انسجام نهادی تا فرهنگ ایستادگی
جمهوری اسلامی چگونه فشار نظامی و اقتصادی دشمن را به ظرفیت ایستادگی تبدیل کرد؟

ویژه

راز رویین‌تنی مقاومت

صفحه ۲

جنگ بر سر هوش مصنوعی عریان‌تر از همیشه
نقشه ملی ما کجاست؟

جنگ سیلیکون و کُد

نگاه
رضا باقری‌پور

رژیم اشغالگر قدس با جمعیتی کمتر از ۱۰ میلیون نفر، یکی از پرتراکم‌ترین اکوسیستم‌های فناوری جهان را ساخته است. بخش مهمی از این سیطره، به انتقال مستقیم مهارت‌های نظامی، به‌ویژه از واحدهای اطلاعاتی و سایبری ارتش صهیونی، به بخش خصوصی برمی‌گردد. این نفوذ جالب توجه نتیجه ساختار اجباری خدمت سربازی، گزینش استعدادهای برتر از سنین پایین و شبکه‌های حرفه‌ای متراکم است. با این همه رژیم و جامعه یهودیان مرتبط با آن، تفوق بر این عرصه را موکول به یک روند طبیعی نمی‌کنند و از ابزارهای مختلف امنیتی نیز بهره می‌برند. شوک اخیر در دنیای تراشه و هوش مصنوعی، یعنی همان داستان مدیرعامل انویدیا و معشوقه آسیایی او، اگر چه در جلوه اول، حواس را به چین جلب می‌کرد اما با توجه به طمع اسرائیل به هوش مصنوعی و کاربست‌های نظامی و امنیتی و اطلاعاتی آن، گمانه‌زنی‌هایی از احتمال وجود یک طراحی اسرائیلی نیز طرح شده است.

■ انویدیا لای دندان قدرت‌ها

جنسن هوانگ، بنیان‌گذار و مدیرعامل دیرینه انویدیا که شرکت را از یک سازنده تراشه گرافیکی به موتور اصلی رونق هوش مصنوعی جهانی تبدیل کرده بود، ۱۲ نوامبر ۲۰۲۶ پس از افشای روابط خارج از ازدواج استعفا کرد. یکی از این روابط با آلیس هوانگ، مدیر ارشد شرکت سنگاپوری مگاسپید و شریک ابری انویدیا بود؛ مقامات اطلاعاتی آمریکا او را مظنون به همکاری با سرویس امنیت دولتی چین می‌دانند که هدفش نفوذ در سیاست‌های صادرات تراشه‌های پیشرفته و جمع‌آوری اطلاعات بوده است. هوانگ همچنین با حداقل یک یا ۲ کارمند ارشد انویدیا نیز رابطه داشته و در بیانیه‌ای به کارکنان اعتراف کرد به همسرش خیانت کرده است. هیات مدیره انویدیا بلافاصله کولت کرس، مدیر مالی شرکت را به عنوان مدیرعامل موقت منصوب و جست‌وجو برای جانشین دائم را آغاز کرد. این رسوایی باعث افت شدید ارزش سهام انویدیا و تأثیر منفی بر کل بخش هوش مصنوعی شد و همزمان تحقیقات کنگره و وزارت دادگستری آمریکا را به دنبال داشت. هوانگ که سال‌ها چهره محوری صنعت تراشه بود، با این ماجرا از رأس یکی از باارزش‌ترین شرکت‌های جهان کنار رفت. بر اساس گزارش اورشلیم پست، پس از استعفای جنسن هوانگ، هیات‌مدیره انویدیا در حال بررسی گزینه‌های مختلف برای جانشینی است و ۳ چهره اسرائیلی نیز در میان نام‌های مطرح قرار دارند.

ادامه در صفحه ۲

www.vatanemrooz.ir

پیامک خوانندگان
۱۰۰۰۲۲۳۱

در شبکه‌های اجتماعی
@vatanemrooz

سلام وطن
۶۶۴۱۳۹۴۲